

بررسی منابع علم امام با تکیه بر روایات کتاب بصائر الدرجات

محمد رضا ملانوری شمسی*

چکیده

بحث امامت و خلافت بعد از رسول الله، از قدیمی‌ترین بحث‌های تاریخ اسلام و در عین حال از مباحث مهم کلامی روز شمرده می‌شود. امامت و ولایت از ارکان و اصول اساسی نظام اعتقادی شیعه است، به گونه‌ای که نظام اعتقادی شیعه و پایداری، ثبات، حفظ و ترویج آن، همه در سایه امامت و ولایت تحقق می‌یابد. یکی از ویژگی‌هایی که امامت شیعه را از امامت دیگر مذاهب ممتاز می‌کند، علم خاص امام است. مکتب تشیع با توجه به نقش امام پس از پیامبر خاتم، که نقش هدایتی گسترده‌ای است و از ظاهر تا باطن جامعه و افراد آن را در بر می‌گیرد، امام را دارای آگاهی از منابع عظیم الهی دانسته، دانش او را فراتر از علم عادی و دارای مجاری و مبادی الهی و غیرطبیعی برمی‌شمرد. روایات فراوانی در باب منابع علم امام در کتاب *بصائر الدرجات* از صفار قمی گزارش شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به قرآن، روح القدس، صحیفه جامعه، مصحف فاطمه، صحف و کتب انبیا، عمود نور، الف باب، اسم اعظم، تحدیث و الهام اشاره کرد که برخی از این منابع صرفاً جنبه ملکوتی دارند و بعضی دیگر، علاوه بر بعد ملکوتی، به نحو ظاهری و مکتوب نیز وجود دارند. علم روزانه یا به تعبیر روایات، «حادث»، که آگاهی از زمان حال است، در روایات با تعبیر «نکت (یا قذف) فی القلوب و نقر فی الاسماع» بیان شده است. این نوع آگاهی از طرف ائمه (ع) به عنوان برترین علم و آگاهی امام معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، علم امام، منابع علم.

مقدمه

بایستگی‌های امام، یکی از مهم‌ترین بحث‌های امامت است که پیوسته متکلمان اسلامی به آن توجه داشته و آن را کاویده‌اند. این مسئله در کتاب‌های کلامی، ذیل عنوان «ویژگی‌های امام» یا «شرایط امامت» مطرح شده است. از مباحث بسیار مهم درباره ویژگی‌های ائمه (ع)، مسئله علم امام است. در اصل اینکه علم برای امام لازم است میان متکلمان اسلامی اختلافی وجود ندارد. اختلاف در کمیت و کیفیت آن است. متکلمان غیرشیعه علم اجتهادی و خطاپذیر را کافی دانسته‌اند؛ چنان‌که علم همه‌جانبه به احکام شریعت را نیز لازم ندانسته‌اند (همدانی، ۱۴۲۲: ۱۹۸/۱-۲۰۹؛ باقلانی، ۱۴۱۴: ۴۷۱). ولی از نظر شیعه امامیه، امام باید علم بالفعل و همه‌جانبه به احکام شرعی داشته باشد و علم او خطاناپذیر، و اعلم از دیگر افراد جامعه باشد.

درباره گستره علم امام نظر واحدی در میان دانشمندان شیعی وجود ندارد، ولی در اینکه امام باید به هر آنچه در امامت وی لازم و برای سعادت بشر نیاز است، عالم باشد اتفاق وجود دارد. بنا بر نظر ابن‌میثم بحرانی، امام باید به همه آنچه در ایفای مقام امامت به آنها نیاز دارد عالم باشد، خواه علوم دینی باشد یا علوم دنیوی؛ مانند علم به احکام شرعی، سیاست، آداب، و فصل خصومت‌ها (بحرانی، ۱۳۶۲: ۱۷۹). محقق طوسی ضمن شمردن صفات امام می‌نویسد:

سومین صفت برای امام، علم امام است به تمام مسائل و امور؛ یعنی به حکم عقل، امام باید به تمام آنچه درباره امامت به او واگذار شده عالم باشد؛ از قبیل علم امام به حکومت‌داری و امور سیاسی و دانستن مصالح و مفاسد اموری که مربوط به مردم است. همچنین امام باید عالم به تمام مسائل شریعت و دین باشد؛ چون حکم امام باید مطابق با دستورهای شریعت باشد (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۹۲).

سید مرتضی فقط علومی را که به ولایت و امامت امام مربوط می‌شود واجب می‌شمارد (علم‌الهدی، ۱۴۱۰: ۱/۱۶۴).

پس از پذیرش و روشن‌شدن ضرورت علم ویژه امام، این پرسش مطرح می‌شود که: منابع علم امام یا به عبارتی دیگر وسایط و ابزار حصول این علم چیست؟ محمد بن

حسن صفّار، از شخصیت‌هایی است که کوشیده است با گزارش روایاتی در این زمینه به اثبات علم خاص امام و منابع آن پردازد. با این همه، به نظر می‌رسد در مجموعه مطالعاتی که تاکنون به انجام رسیده، هماره پرداختن به روایات کتاب *بصائر الدرجات* از نظر پژوهشگران حوزه تاریخ اندیشه و کلام امامیه پنهان مانده است که احتمالاً علت آن اشکالی است که به این کتاب وارد شده است. بنا بر این اشکال، یکی از سرشناس‌ترین شاگردان صفّار، یعنی محمد بن حسن بن ولید، اجازه نقل این کتاب را به شاگردان خود نمی‌داده و در اصطلاح علم رجال، آن را استثنا کرده است.

منشأ بروز اشکال غلوّ در خصوص کتاب *بصائر الدرجات*، عبارت *رجال نجاشی* است. نجاشی در کتاب *رجال خود* در طریق رسیدنش به کتب صفّار می‌گوید: «أخبرنا بکتابه کلّها ما خلا بصائر الدرجات أبوالحسین علی بن احمد بن محمد بن طاهر الأشعری القمی قال: حدّثنا محمد بن الحسن بن الولید عنه بها. وأخبرنا أبو عبدالله بن شاذان قال: حدّثنا احمد بن محمد بن یحیی عن أبيه عنه بجمیع کتبه و بصائر الدرجات» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴). با دقت در این عبارت، معلوم می‌شود نجاشی از دو راه به کتب دسترسی پیدا کرده است: اول، از طریق ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن طاهر قمی، که همان ابن ابی جید قمی است، از ابن ولید از صفّار؛ در این طریق نجاشی تصریح دارد که ابن ولید همه آثار صفّار، جز *بصائر الدرجات* او، را روایت می‌کرده؛ یعنی ابن ولید در اجازه روایی‌اش برای ابن ابی جید کتاب *بصائر الدرجات* را استثنا کرده است. دوم، از طریق احمد بن محمد بن یحیی الأشعری از پدرش، محمد بن یحیی العطار. در این طریق، محمد بن یحیی العطار، همه آثار صفّار، از جمله *بصائر الدرجات* را از صفّار روایت کرده است.

بنا بر گزارش مجلسی، این عبارت نجاشی باعث شده گروهی در خصوص صفّار موضع‌گیری‌های مبهمی کنند و بر کتابش خُرده بگیرند و علت آن را غلو و زیاده‌گویی در شأن اهل بیت (ع) بدانند (مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۴۰/۱۴). اما باید توجه داشت که مفهوم استثنا در نگاه ابن ولید، به معنای سلب کلی و حکم کردن به نفی و نادرستی آن نیست؛ بلکه توقف و امری همراه با احتیاط است. در واقع، وی درباره منفردات این کتاب، راه احتیاط را در پیش گرفته است؛ یعنی التزام به این کتاب را نپذیرفته است و برخی مضامین آن را به گردن نمی‌گیرد، نه اینکه تمام کتاب را نفی کرده یا حکم به نادرستی

آن کند. زیرا در نگاه ابن ولید، حتی راویان ضعیف نیز روایات پذیرفتنی دارند. در منابع متقدم شواهدی وجود دارد که این مدعا را تأیید می‌کند؛ در ترجمه عنوان «محمد بن سنان الزاهری» آمده است:

محمد بن سنان کتاب‌هایی دارد و بر او اشکالاتی کرده‌اند و او را ضعیف شمرده‌اند ... و همه کتب او را جماعتی از مشایخ، شیخ صدوق از پدرش و ابن ولید از سعد بن عبدالله اشعری و حمیری و ...، به من اجازه روایت داده‌اند، جز آنچه در آن آمیختگی و غلو است (طوسی، ۱۴۱۷: ۴۰۶).

یا در ترجمه «ابوسمینه» نیز چنین آمده:

محمد بن علی صیرفی کوفی، معروف به ابوسمینه، کتاب‌هایی دارد و گفته شده کتاب‌هایش مانند کتب حسین بن سعید است. کتب او را جماعتی از مشایخ، شیخ صدوق از پدرش و ابن ولید و محمد بن علی ماجیلویه از محمد بن ابی القاسم از محمد بن علی صیرفی، به من اجازه روایت داده‌اند، جز آنچه در آن آمیختگی و غلو یا تدلیس است، یا منفردات او (همان: ۴۱۲).

یا در ترجمه «سهل بن زیاد الآدمی» در *الفهرست* این مطلب به دست می‌آید که (حداقل بنا بر گزارش شیخ) ابن ولید روایات سهل را می‌پذیرفته است. عبارت شیخ چنین است:

سهل بن زیاد، معروف به اباسعید، از راویان ضعیف است. او کتاب‌هایی دارد. محمد بن حسن بن ولید از طریق سعد [اشعری] و حمیری از احمد بن ابی عبدالله، از سهل بن زیاد [نقل] روایت کرده است (برای تفصیل مطلب نک.: زکی‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۸).

نظر به اهمیت مسئله علم امام و وجود خلأهای موجود درباره اهمیت صفار قمی و اثرش در تحول تاریخی مکتب امامیه و با عنایت به بی‌توجهی‌هایی که به او و کتابش ابراز شده، و با توجه به اینکه پرداختن به مسائل کلامی بدون در نظر گرفتن میراث غنی به‌جامانده از متکلمان امکان‌پذیر نیست، بر آن شدیم تا در این نوشتار به گزارش

روایت های صفار در این زمینه پیردازیم. البته قبل از ورود به بیان اندیشه کلامی صفار در این باب، اشاره‌ای به زندگی و آثار او خواهیم داشت.

زندگی و آثار صفار قمی

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴)، از اصحاب امام حسن عسکری (ع) (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۰۲)، یکی از شخصیت های بزرگ قم در قرن سوم هجری (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴) و از صاحب نظران در فن حدیث^۱ و فقه^۲ است. علمای علم رجال، صفار را به اینکه از وجوه اصحاب در قم بوده است ستوده و ضمن توثیق، وی را عظیم القدر و راجح و قلیل السقط در روایت خوانده‌اند (همان). فهرست نگارانی همچون نجاشی، قریب چهل عنوان از آثار صفار را، که عمدتاً در ابواب فقه و پاره‌ای در مباحث مختلفی همچون دعا، زیارت، اخلاقیات، تاریخ و اعتقادات است، فهرست کرده‌اند. به جز بصائر الدرجات، همه آثار وی از میان رفته و در شکل فیزیکی آن محفوظ نمانده است. کتاب بصائر الدرجات، مشتمل بر ده جزء است و در مجموع ۱۸۸۱ حدیث دارد.^۳ محور مرکزی این اثر را امامان اهل بیت (ع) و شئون آنان تشکیل می‌دهد. این کتاب با احادیثی در باب علم، از جمله فریضه بودن طلب علم، ثواب عالم و متعلم و برتری عالمان آغاز می‌شود و با نقل احادیث در باب آل محمد (ص)، و علم و فضیلت و ولایت ائمه شیعه (ع) ادامه می‌یابد. یکی از موضوعاتی که در کتاب بصائر الدرجات گزارش شده مسئله جهات بهره‌مندی امام از دانش الهی است که در ادامه، گزارشی اجمالی از آن خواهیم داد.

جهات بهره‌مندی امام از دانش الهی

یکی از مسائل مهم درباره علم امام، بحث از منابع آن است که در کتب روایی از آن به «جهات علم امام» تعبیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۴/۱). امام دانش آموخته خاص خدای تعالی است که به صورت ویژه از نعمت دانش بهره‌مند شده است. چون ما چنین تجربه‌ای در دانش‌آموزی نداریم، برای درک آن ناگزیر باید به توضیحات و سخنان امامان اهل بیت (ع) مراجعه کنیم. در روایات صفار، به برخی از جهات بهره‌مندی امام از دانش الهی اشاره شده که در ادامه بررسی می‌کنیم.^۴

روح القدس

یکی از راه‌ها و مبادی دانش ائمه (ع)، روح القدس است که موجودی مستقل، دارای حیات، علم و قدرت، و از جنس امر و از ملکوت است. هر زمان خداوند اراده کند، ایشان را آموزش می‌دهد، موفق می‌کند، باخبر می‌سازد و راهنمایی می‌کند (فقهی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۴۲). از امام صادق (ع) پرسیدند: آیا می‌شود از شما چیزی پرسند که جواب آن را ندانید؟ حضرت فرمود: گاهی اتفاق می‌افتد اما روح القدس ما را آگاه می‌کند (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۱).

بر اساس این روایات، روح القدس حقیقتی است که حامل آن همواره آگاهی و روشنایی دارد و با وجود اینکه خودش می‌خوابد، اما می‌بیند، می‌شنود و احساس می‌کند. چون او حامل روح القدس است. همچنان که ویژگی‌های روح القدس چنین دلالتی را می‌رسانند: «روح القدس نمی‌خوابد، غفلت ندارد، لهو ندارد؛ اما چهار روح دیگر می‌خوابند، دچار غفلت می‌شوند و لهو دارند» (همان: ۴۵۴، ح ۱۳).

از این‌رو، خصیصه و ویژگی عام و مشترک میان دارندگان مقام روح قدسی، عصمت و دوری از لغزش و گناه کبیره است (قیوم‌زاده، ۱۳۹۱ الف: ۹۴) و به همین دلیل در روایات آمده که هر کس روح القدس با او باشد، هرگز گناه کبیره نمی‌کند (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۷). برخی از احادیث صفار، دلالت بر برتری روح القدس بر مقرب‌ترین فرشتگان الهی (یعنی جبرئیل و میکائیل) دارد (همان: ۴۶۱-۴۶۴) و تعدادی از روایات علاوه بر بیان این مطلب، بر اختصاصی بودن این روح به پیامبر و ائمه اطهار (ع) نیز تأکید دارد. در این روایات، تصریح شده که روح القدس امری مختص به حضرت محمد (ص) است و هیچ کس، حتی انبیای سابق، از آن بهره‌مند نیستند و بعد از ایشان در خدمت اهل بیت (ع) است (همان: ۴۶۰).

عروج روح امام به عرش خدا و افزایش علم، در هر شب جمعه

از دیگر مسائلی که در روایات صفار به عنوان یکی از جهات بهره‌مندی امام از دانش الهی بیان شده، عروج روح امام به عرش خدا در هر شب جمعه و افزایش علم او بعد از بازگشت است. این منبع علم امام به قدری مهم است که ائمه (ع) فرموده‌اند: «اگر چنین نباشد، علم ما نابود می‌شود» (همان: ۱۳۱، ح ۵). بنا بر گزارشی از صفار، در هر شب

جمعه، ملائکه، پیامبران، اوصیای از دنیا رفته و روح وصی‌ای که در میان مردم است (یعنی امام هر زمان)، به آسمان می‌روند تا به عرش پروردگار برسند. در آنجا هفت دور طواف می‌کنند و بعد از طواف کنار هر پایه‌ای دو رکعت نماز می‌خوانند و برمی‌گردند. امام وقت نیز برمی‌گردد، البته با الهام فراوانی از علم، که به صورت توده‌ای عظیم است (همان: ۱۳۰-۱۳۲، ح ۱-۷).

الواح و کتب پیامبران

بنا بر روایات متعددی که از صفّار نقل شده، کتب پیامبران، همچون تورات، انجیل، زبور و صحیفه‌های حضرت ابراهیم و موسی (ع) نزد اهل بیت (ع) است (همان: ۱۴۰، ح ۵)، که از حضرت محمد (ص) به آنها رسیده (همان: ۱۳۸، ح ۱۳) و حاوی علم گذشتگان و آیندگان و همچنین تبیین تمام احتیاجات بشر تا قیامت است (همان: ۱۴۰، ح ۴). بر اساس این روایات، حضرت داوود (ع) وارث انبیا، حضرت سلیمان (ع) وارث داوود، حضرت محمد (ص) وارث سلیمان (ع) و ائمه (ع) وارث حضرت محمد (ص) هستند (همان: ۱۳۵، ح ۱؛ ۱۳۸، ح ۱۵). خداوند چیزی به پیغمبران عطا نفرمود، جز آنکه آن را به حضرت محمد (ص) عطا کرد. به عبارتی، همه آنچه را به پیغمبران داد به حضرت محمد (ص) هم عطا فرمود (همان: ۱۳۶، ح ۵). از جمله آن چیزها، صحیفه‌های حضرت ابراهیم (ع) و موسی (ع) بود که به رسول خدا (ص) واگذار شد. آن حضرت نیز آن را به حضرت علی (ع) به امانت سپرد. ایشان نیز به امام حسن (ع) و همین‌طور یکی پس از دیگری، به دستشان امانت سپرده شده است (همان: ۱۳۷).

علم قرآن

قرآن، یکی دیگر از منابع علوم ائمه (ع) است که در آن، خبر آسمان و زمین، بهشت و دوزخ و گذشته و آینده آمده است و به فرموده خداوند متعال، بیان هر چیز در آن است (همان: ۱۹۴، ح ۷). علم این کتاب نزد اهل بیت (ع) است (همان: ۲۱۴، ح ۱۰). برخی از روایات، با اشاره به آیاتی از قرآن، که بر آگاهی عده‌ای (خاص) به حقایق قرآن و تأویل آن دلالت می‌کند، و البته در آنها نامی از ایشان برده نشده، مصداق اکمل و اتم این روایات را اهل بیت (ع) معرفی می‌کنند و حتی گاه مصداق این روایات را منحصر در

اهل بیت (ع) می‌دانند. آیاتی که در این مقام به آنها استناد شده عبارت‌اند از: (عنکبوت: ۴۹)، (رعد: ۴۳)، (آل عمران: ۷ و ۱۸)، (نحل: ۴۳)، (انبیاء: ۷)، (فاطر: ۳۲) و (انعام: ۱۹). در این روایات (همان: ۲۰۴-۲۰۷، ح ۱-۱۸ و ۲۱۶-۲۱۲، ح ۱-۲۱ و ۲۰۲-۲۰۴، ح ۱-۸ و ۴۴۰، ح ۴ و ۳۸-۴۳، ح ۱-۲۸ و ۳۷-۳۸، ح ۱-۸ و ۴۴-۴۸، ح ۱-۱۶ و ۵۱۱، ح ۱۸) ائمه با استناد به آیات مذکور، اهل بیت پیامبر (ع) را آگاه از علم قرآن معرفی، و مردم را مأمور به پرسش از ایشان کرده‌اند (همان).

ایشان، سرچشمه علم الهی خود را قرآن و آشنایی با معارف و آیات الهی می‌دانند؛ امری که خداوند آنها را از آن بهره‌مند کرده است. ائمه (ع) علت نیاز به مفسر و هادی به قرآن را وجود محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و لزوم آگاهی از زمان و مکان و شأن نزول آیات بیان کرده‌اند (همان: ۱۹۸، ح ۴ و ۱۳۵، ح ۳) و برای علم و آگاهی خود از تفسیر قرآن دو ویژگی برشمرده‌اند: عمومیت و جامعیت آگاهی ایشان نسبت به آگاهی ناقص دیگران، و متقن بودن تفسیر خود در برابر فهم نادرست یا تفسیر ظنی برخی از آیات قرآن (همان: ۱۹۴، ح ۵-۷).

بر این ادعا چند دلیل می‌توان اقامه کرد: نخست اینکه، آغاز تا پایان و همچنین ظاهر و باطن تمام قرآن نزد آنها است (همان: ۱۹۳-۱۹۴، ح ۱-۷). دوم اینکه، در برخی روایات (همان: ۴۷، ح ۱)، خود ائمه (ع)، علم و آگاهی خویش از قرآن را الهی و به واسطه پیامبر (ص) معرفی کرده‌اند (قیوم‌زاده، ۱۳۹۱ ب: ۱۵۱-۱۶۸).

صحیفه جامعه نزد اهل بیت (ع)

جامعه، یکی از عناوینی است که در روایات مربوط به علم امام بر آن تأکید شده و نشانه‌ای از پیوند عمیق میان امامت و نبوت است (صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۲) که به آن، کتاب علی (ع) یا مصحف حضرت علی (ع) نیز گفته شده است (همان: ۱۴۶، ح ۲۰). این صحیفه به طول هفتاد ذراع و عرض یک پوست (همان: ۱۴۹، ح ۱۳) و از پوست ران شتر بزرگ دوکوهان است (همان: ۱۴۲، ح ۲) که به خط حضرت علی (ع) و املائی رسول خدا بوده (همان: ۱۴۲، ح ۱) و جامع همه علوم است. همه علوم، اعم از قضاوت و فرائض را نوشته (همان: ۱۴۳، ح ۷) و هر نوع حلال و حرامی را ذکر کرده است (همان: ۱۴۴، ح ۸). جواب تمام نیازهای مردم و هر پیشامدی (همان: ۱۴۲، ح ۲) حتی جریمه خراش و دیه (همان:

۱۴۸، ح ۶)، و یک تازیانه و نصف تازیانه (همان: ۱۴۸، ح ۷) در آن هست. از این رو «جامعه» برای کسی جای سخن نگذاشته است (همان: ۱۴۶، ح ۲۳). عبارات پایانی تقریباً تمام احادیث، که به اتفاق در تمام این روایات به یک مضمون آمده، مطرح کردن مسئله جرمه خدشه است. این مسئله نشان می‌دهد که محتوای این صحیفه شامل تمام مسائل فقهی‌ای است که مردم به آن نیاز دارند. زیرا اجماع احادیث بر این مثال و نیاموردن مثالی از علوم دیگر می‌تواند قرینه‌ای باشد بر اینکه محتوای جامعه، شامل تمامی ابواب و مسائل احکام و عبادات است، نه چیزی دیگر؛ وگرنه لازم بود جزئی‌ترین مسئله از علوم و موضوعات دیگر نیز حداقل در برخی روایات ذکر شود.

ائمه (ع) خود را با توجه به در اختیار داشتن جامعه و تمسک به آن بی‌نیاز و برتر از سایر فقها دانسته‌اند و علم فقهای دیگر نحله‌ها را، به علت دسترسی‌ناداشتن به جامعه، ناقص و آنها را نیازمند به ائمه (ع) دانسته‌اند (همان: ۱۵۷، ح ۱۹؛ ۱۶۱، ح ۳۳). این صحیفه به عنوان یکی از منابع علم، نزد ائمه (ع) بوده، هیچ کس جز پیغمبر و وصی او نمی‌تواند در آن بنگرد (همان: ۱۵۸، ح ۲۴). ائمه (ع) پیرو آن بودند و هرگز مخالف آن رفتار نمی‌کردند (همان: ۱۴۶، ح ۲۰).

کتاب جفر نزد اهل بیت (ع)

در روایات دیگری از کتابی به نام جفر یاد شده است. در این روایات، دو جفر به نام‌های «جفر سفید» و «جفر سرخ» ذکر شده و در توضیح آنها آمده است که در جفر سرخ، سلاح پیامبر (ص) است (همان: ۱۵۱، ح ۲) و فقط برای خون‌خواهی گشوده می‌شود (همان: ۱۵۱، ح ۱). از این رو، قائم (ع) طبق آنچه در جفر سرخ است، عمل می‌کند (همان: ۱۵۲، ح ۴). اما جفر سفید، مخزنی از چرم است (همان: ۱۵۱، ح ۳) که در آن کتاب‌هایی است (همان: ۱۵۱، ح ۲) مشتمل بر زبور داوود، تورات موسی، انجیل عیسی، صحف ابراهیم (ع) و مصحف فاطمه (س) (همان: ۱۵۰، ح ۱)، که علم انبیا، اوصیا و دانشمندان گذشته بنی اسرائیل (همان: ۱۵۱، ح ۳)، همچنین ولایت حضرت علی (ع) (همان: ۷۲، ح ۱)، قضاوت‌ها و احکام میراثی را که حضرت فرموده (همان: ۱۵۸، ح ۲۱) در آن کتب است. به هر حال، از روایات چنین برداشت می‌شود که جفر (کتب و صحف انبیا) شامل علم گسترده و فراوانی بوده است. ابو عبیده از امام صادق (ع) نقل می‌کند که

حضرت در پاسخ به پرسشی درباره جفر فرمود: «هو جلد ثور مملو علماً» (همان: ۱۵۳، ح ۶)؛ «هیچ کس نمی‌تواند به این کتاب بنگرد جز اینکه پیغمبر یا وصی پیغمبر باشد» (همان: ۱۵۸، ح ۲۴).

مصحف فاطمه (س)

صفاً روایاتی را نقل می‌کند که در آن از مصحف فاطمه (س) نام برده شده است (همان: ۱۵۰). این مصحف سه برابر قرآن است (همان: ۱۵۱، ح ۳) که چیزی از قرآن در آن نیست (همان: ۱۵۴، ح ۸) ولی کلام خدا است (همان: ۱۵۵، ح ۱۴) که پس از رحلت پدرش بر او القا شده است (همان: ۱۵۹، ح ۲۷). مصحف فاطمه (س)، به املائی پیک خدا و خط حضرت علی (ع) است (همان: ۱۵۷، ح ۱۹) که در آن چیزی از حلال و حرام نیست، بلکه در آن وصیت حضرت فاطمه (س) (همان: ۱۵۷، ح ۱۶) و علم به پیشامدهای آینده است (همان: ۱۵۷، ح ۱۸).

رحلت پیامبر (ص) و دوری فیزیکی حضرت زهرا (س) از ایشان حزن و اندوهی فراوان برای آن حضرت ایجاد کرده بود. از این رو جبرئیل امین (ع) برای عرض تعزیت و آرامش روحی حضرت فاطمه (س) و خبر آوردن از جایگاه پدرشان و آگاهی دادن به ایشان از آنچه برای ذریه و فرزندان حضرت اتفاق خواهد افتاد به دستور الهی مکرر خدمت حضرت زهرا (ع) می‌رسید (همان: ۱۵۳، ح ۶). حماد بن عثمان، به نقل از امام صادق (ع)، می‌گوید پس از آگاهی امیرالمؤمنین (ع) از این موضوع، حضرت امام علی (ع) به همسرشان فرمودند هر گاه آن احساس برایت ایجاد شد و صدا را شنیدی مرا آگاه کن. فاطمه زهرا (س) نیز همسرش را آگاه می‌کرد و امیرالمؤمنین (ع) آنچه را حضرت فاطمه (ع) می‌شنید می‌نوشت و از آن نوشته‌ها صحیفه‌ای تهیه شد (همان: ۱۵۷، ح ۱۸) که این مصحف نزد ائمه (ع) است (همان: ۱۵۱، ح ۳).

عمود نور

یکی دیگر از جهات بهره‌مندی امام از دانش الهی، عمود نور است (همان: ۴۳۱، ح ۲ و ۳) که با عناوین دیگری مانند مصباحی از نور (همان: ۴۳۲، ح ۴ و ۷) یا مناری از نور (همان: ۴۳۱، ح ۱ و ۵) نیز ذکر شده است. روایات ذیل این عناوین، همگی در یک نکته

اشتراک و اتحاد دارند و آن، ارتباط عمود یا منار یا مصباح نور با اعمال بندگان و خلایق است. به تعبیر دیگر، به طور قطع، می‌توان ادعا کرد روایات این باب، از آگاهی امام از کنش، رفتار و اعمال انسان‌ها خبر می‌دهد. از این رو ثمره و نتیجه وجود عمود نور برای امام، مشاهده و توان دیدن اعمال انسان‌ها است (همان: ۴۳۱-۴۴۳). در روایتی، امام صادق (ع) ماهیت این ستون نور را این‌گونه بیان کرده‌اند: «خداوند ستونی از نور دارد که آن را از همه مخلوقاتش پوشانده است. یک طرف این ستون نزد خدا است و طرف دیگر آن در گوش امام. پس هر گاه خداوند چیزی را اراده کند، آن را در گوش امام وحی می‌کند» (همان: ۴۳۹، ح ۱).

عرضه‌کردن اعمال انسان‌ها به امام

دسته دیگری از روایات صفّار، حاکی از آن است که خداوند با عرضه‌کردن اعمال انسان‌ها به امام، علم امام را در خصوص اعمال و رفتار انسان‌ها افزایش می‌دهد. بنابراین، می‌توان یکی دیگر از منابع علم امام را عرضه اعمال از جانب خداوند دانست، که البته این اطلاعات از زمره دیگر علوم الهامی است که ملائکه به امام اطلاع می‌دهند. صفّار، یک باب از کتاب *بصائر الدرجات* را به روایاتی با این مضمون اختصاص داده است که: «کردار بندگان بر پیامبر و اهل بیت (ع) عرضه می‌شود» (همان: ۴۲۴-۴۲۶، ح ۱-۱۷). همچنین بایی را به «عرضه اعمال بر اهل بیت (ع)، چه زنده و چه از دنیا رفته» (همان: ۴۲۷-۴۲۸، ح ۱-۱۱) و باب دیگری را به «عرضه اعمال بر امامی که زنده است» اختصاص داده است (همان: ۴۲۹-۴۳۰، ح ۱-۱۱). همچنین، روایاتی نقل کرده است که بر اساس آن امامان از افعال شیعیانشان باخبر بوده‌اند و از اسرار و کارهای پنهانی آنها به خودشان خبر می‌دادند (همان: ۲۴۲-۲۵۳).

نزول ملائکه بر امام در شب قدر و القای امور مربوط به آن سال

با توجه به روایات صفّار، ارتباط ملائکه با اهل بیت پیامبر (ص) پایان نیافته، بلکه ضرورتی است که تداوم بخش برنامه نظام هستی، به‌ویژه خلقت انسان، است. هرچند جهت این ارتباط تغییر کرده و آن ارتباط و حیانی‌ای که جبرئیل برای انزال شریعت و قرآن با پیامبر (ص) داشت، پایان یافته است. بنا بر روایات صفّار، در شب قدر امور

یک‌ساله، از خوبی و بدی، مرگ و حیات، باران، نام حاجیان و ... به ائمه (ع) القا می‌شود (همان: ۲۲۰-۲۲۶، ح ۱-۱۷).

اسم اعظم

اسم اعظم عنوانی است که برخی روایات برای بیان سرچشمه علم امام و آگاهی‌ها و توانایی‌های او به آن اشاره دارند. در روایات صفّار، یکی از ویژگی‌های پیامبر و اهل بیت (ع) بهره‌مندی کامل‌تر از اسم اعظم الاهی بیان شده است. بنا بر این روایات، اسم اعظم پروردگار ۷۳ حرف دارد که بهره‌مندی خاتم‌المرسلین و خاندان ایشان از اسم اعظم، کامل‌تر از سایر انبیا و اوصیا است؛ یعنی آگاهی به ۷۲ حرف، به ایشان عطا شده است (همان: ۲۰۸-۲۱۰، ح ۱-۹). بنا بر یکی از این روایات، عبدالله بن بکیر نزد امام صادق (ع) بود. سخن از علم سلیمان شد و قدرتی که به او داده شده بود. حضرت فرمود به سلیمان فقط یک حرف از اسم اعظم داده بودند اما نزد حضرت علی (ع) تمام علم کتاب بود (همان: ۲۱۲، ح ۱)، و بعد از حضرت علی (ع)، درباره امامان پس از او نیز چنین است (همان: ۲۱۴، ح ۱۰).

ألف باب

روایات مشهور به «ألف باب» از روایات پرتعدادی هستند که یکی دیگر از جهات بهره‌مندی امام از دانش الاهی را تبیین می‌کنند. همه روایاتی که در این زمینه وارد شده‌اند، انتقال‌دهنده علوم را پیامبر اکرم (ص)، و دریافت‌کننده آنها را حضرت امام علی (ع) بیان کرده‌اند (همان: ۳۰۲-۳۱۲). روایت اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین (ع) دلالت می‌کند که ابواب تعلیمی پیامبر اکرم (ص) به آن حضرت، شامل حلال و حرام الاهی و آگاهی‌هایی از گذشته و آینده است؛ هرچند باید ادعا کرد طبق روایات، تعلیمات پیامبر (ص) به امام علی (ع) منحصر به اینها نبوده است (همان: ۳۰۵، ح ۱۱). از این روایت استفاده می‌شود که هزار باب علم، منحصر به علم حلال و حرام نیست؛ بلکه علمی گسترده را شامل می‌شود (همان: ۳۵۸، ح ۱۴). از نکات دیگری که روایات به آن اشاره کرده‌اند، آشکارشدن و ظهور فقط یک باب یا دو باب از آن ابواب است (همان: ۳۰۷، ح ۱۷؛ ۳۰۸، ح ۴).

تحدیث (نکت و نقر) و الهام

محدث کسی است که فرشته با او سخن می‌گوید. او نیز صدای ملک را می‌شنود، بدون آنکه پیامبر باشد یا آنکه فرشته را ببیند. از این‌رو، در او دانشی از طریق الهام و مکاشفه از مبدأ اعلی‌ایجاد می‌شود یا آنکه در قلبش حقایقی پدید می‌آید که بر دیگران مخفی است (همان: ۳۶۸). چنان‌که قبلاً هم اشاره کردیم، برخی روایات به تقسیم‌بندی علم و دانش ائمه (ع) پرداخته‌اند و علوم ایشان را به سه وجه یا گروه تقسیم کرده‌اند. هرچند روایات، اتحادی در نام‌گذاری عناوین این سه وجه ندارند، اما با توجه به تفسیر و معنایی که از هر یک از این سه عنوان در روایات مطرح شده، می‌توان مقصود و معیار تقسیم علم امام را به دست آورد. دقت در روایات نشان می‌دهد که علم امام با توجه به معیار زمان تقسیم‌بندی شده است. از این‌رو، علوم امام را با ملاحظه مجموعه این روایات می‌توان به «آگاهی از گذشته»، «آگاهی از حال» و «آگاهی از آینده» تقسیم کرد.

علم روزانه یا به تعبیر روایات، «حادث»، که آگاهی از زمان حال است، در روایات با تعبیر «نکت (یا قذف) فی القلوب و نقر فی الاسماع» بیان شده است. در روایات، «نکت و نقر» از مجاری علم امام به حوادث حال دانسته شده است. انجام‌دهنده نکت و نقر نیز در روایات، ملائکه معرفی شده‌اند (همان: ۳۲۴ و ۳۶۸). همچنین در روایات، نکت در قلب، نشانه محدث بودن معرفی شده که با شنیدن کلام ملائکه با نقر در اذن به یک معنا است. زیرا در روایات دیگر، این دو در تفسیر هم به جای یکدیگر به کار رفته‌اند (همان: ۲۳۲، ۳۱۸، ۳۲۴ و ۳۷۳). با توجه به آنچه بیان شد، همپوشی و تساوی مفاهیمی مانند نقر و نکت و الهام، که در برخی دیگر از روایات بیان شده روشن می‌شود (شاکر، ۱۳۹۱: ۱۸۲). زیرا در تعریف الهام آمده است: «مطلبی را که در قلب امام آشکار و درک می‌شود الهام می‌نامند یا آنچه امام با گوش خود درک می‌کند و می‌شنود؛ که حدیث ملائکه نامیده شده و به واسطه ملک تحقق می‌یابد» (صفار، ۱۴۰۴: ۳۱۸ و ۳۶۸). این‌گونه آگاهی، که مربوط به امور حادث، روزانه و لحظه به لحظه است، از طرف ائمه (ع) به عنوان برترین علم و آگاهی امام معرفی شده است (همان: ۳۱۸ و ۳۱۹).

حیطه وظایف و شئون امام، ملزوماتی دارد و لازمه گستره قلمرو ولایت الهی امام، گسترش آگاهی و علم او است و این تلازمی عقلی است. صفوان در این باره از امام

صادق (ع) نقل می‌کند: «خداوند بزرگوارتر و مهربان‌تر از آن است که اطاعت شخصی را بر بندگانش واجب کند و سپس خبر آسمان را در هر صبح و شام از او پوشیده دارد» (همان: ۱۲۴).

بنا بر آنچه گذشت، می‌توان گفت علم به احکام شریعت و نیز علم به قرآن از طریق پیامبر اکرم (ص) به ائمه (ع) منتقل شده است. لذا نقش امام در این علوم، تبیینی و تفسیری است؛ یعنی امام شاخصی برای رفع اختلافات و تبیین علوم انتقالی از پیامبر است. امام، علاوه بر جایگاه کمال‌بخشی و استمراربخشیدن به نبوت، نقش هدایتی خاص یا همان امامت به معنای ویژه آن را هم بر عهده دارد و جایگاه و شأن هدایتی مخصوص امام، اقتضای علم و آگاهی مناسب با آن را می‌کند. روایات، ارتباط با ملائکه و طرق دیگر مجاری علم امام را در همین زمینه تبیین کرده‌اند. مسائلی مانند شهود و عرضه اعمال به امام و خبررسانی روزانه‌ای که روایات بر آن تأکید می‌کنند، از مصادیق جریان این هدایت و نقش امام در آن است.

بدین ترتیب می‌توان روایات گسترده و متنوع مربوط به جهات بهره‌مندی امام از دانش الهی را ذیل دو عنوان کلی قرار داد؛ «تحدیث و الهام» و «وراثت و اخذ از رسول خدا (ص)». بنابراین، چنانچه منشأ علم امام تحدیث و الهام باشد، علم از جانب خداوند به انحاء مختلف به امام اعطا می‌شود؛ و چنانچه منشأ علم امام وراثت باشد، علم از جانب پیامبر (ص) به انحاء مختلف به امامان، یکی پس از دیگری، انتقال پیدا می‌کند.

نتیجه

با توجه به گستردگی جهات بهره‌مندی امام از دانش الهی و الاهی بودن و غیرطبیعی بودنش، ثابت می‌شود که علم امام، علمی ویژه است و امام به واسطه این علم جایگاه ویژه‌ای در معرفت دینی می‌یابد و دارای مقامات خاصی می‌شود. این مقامات در واقع، خط فاصله‌ای میان انسان‌های عادی و ائمه (ع) به عنوان انسان‌های برتر و انتخاب‌شده است که می‌تواند تفاوت ائمه (ع) را با دیگر انسان‌ها مشخص و ارتباط آنان با مقام الوهی را یادآوری کند.

از مهم‌ترین جهات بهره‌مندی امام از دانش الهی، که در روایات کتاب بصائر الدرجات گزارش شده، می‌توان به قرآن، روح القدس، صحیفه جامعه، مصحف فاطمه،

صحف و کتب انبیا، عمود نور، الف باب، اسم اعظم، تحدیث و الهام اشاره کرد که برخی از این منابع مانند الهام و تحدیث و القای روح القدس صرفاً جنبه ملکوتی دارد و برخی دیگر مانند مصحف علی (ع) و فاطمه (س) و کتاب جفر و جامعه، علاوه بر بعد ملکوتی به نحو ظاهری و مکتوب نیز وجود دارند. اما از این میان آگاهی، که مربوط به امور حادث، روزانه و لحظه به لحظه است، از طرف ائمه (ع) به عنوان برترین علم و آگاهی امام معرفی شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه در روایت معروف علی (ع) که می‌فرماید: «مَنْ جَدَّدَ قَبْرًا أَوْ مَثَلًا مِثْلًا فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ»؛ در بین علما درباره اینکه آیا روایت مذکور مشتمل بر کلمه «جدد»، «حدد»، «جدت»، «حدت»، هست یا نه، اختلاف نظر وجود دارد. ابن‌ولید، از شاگردان صفار، بعد از نقل اینکه فقها در این زمینه اختلاف نظر دارند، می‌گوید محمد بن حسن صفار می‌فرمود: «عبارت صحیح، «جدد» با جیم است نه غیر آن» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۱۸۹/۱، ذیل حدیث ۵۷۹).
۲. مثلاً شیخ صدوق می‌فرماید یکی از فقها نظرش این است که دعا کردن به زبان فارسی در قنوت نماز جایز نیست، اما محمد بن حسن صفار می‌فرمود جایز است و فتوای من نیز همین است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۱۶، ذیل ح ۹۳۵). عناوین کتب فقهی صفار همچون کتاب الصلاة، کتاب الوضوء، کتاب الصیام، کتاب الزکاة، کتاب الحج، کتاب الخمس، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب الفرائض، کتاب الموارث، کتاب المکاسب، کتاب التجارات، کتاب التقیه، کتاب الجنائز، کتاب الجهاد، کتاب الحدود، کتاب اللدایات، کتاب الشهادات، کتاب الصید والذبائح، کتاب العتق والتدبیر والمکاتبه، کتاب الأشربه، کتاب الأیمان والنذور والکفارات، نیز شاهی بر این مدعا است (همان: ۳۵۴).
۳. تعداد ۱۸۸۱ حدیث بر اساس تحقیق محسن کوچه‌باغی است (صفار، ۱۴۰۴)، اما بر اساس تحقیق علیرضا زکی‌زاده رنانی تعداد روایات این کتاب ۱۹۰۲ حدیث است (صفار، ۱۳۹۱).
۴. برخی عناوین، که به عنوان منابع علم امام مطرح شده، با عناوین دیگر هم‌پوشی دارند.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، قم: الطبعة الثانية. باقلانی، ابوبکر (۱۴۱۴). تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.
- بحرانی، میثم بن علی (۱۳۶۲). قواعد المرام، بی جا: دفتر نشر کتاب، الطبعة الثانية. زکی زاده رنانی، علیرضا (۱۳۹۱). «استثنای ابن ولید و تأثیرات آن در اعتبار بصائر الدرجات»، در: حدیث حوزه، س ۳، ش ۴، ص ۷۸-۹۰.
- شاکر اشتیجه، محمدتقی (۱۳۹۱). «منابع علم امام در قرآن»، در: فصل نامه امامت پژوهی، س ۲، ش ۶، ص ۱۶۵-۱۸۶.
- صفار، محمد بن حسن (۱۳۹۱). بصائر الدرجات فی علوم آل محمد، تحقیق: علیرضا زکی زاده رنانی، قم: وثوق.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، تحقیق: محسن کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، الطبعة الثانية.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). رجال الطوسی، قم: مؤسسة نشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین، الطبعة الثالثة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). الاقتصاد الی طریق الرشاد، تهران و قم: منشورات مکتبه چهل ستون.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). الفهرست، تحقیق: جواد قیومی، بی جا: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة الاولى.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۰). الشافی فی الامامة، تهران: مؤسسة الصادق، الطبعة الثانية. فقهی زاده، عبدالهادی؛ پهلوان، منصور؛ روحی، مجید (۱۳۹۱). «ویژگی های روح (موضوع آیه و یسألونک عن الروح) از دیدگاه قرآن و روایات»، در: مجله پژوهش های قرآن و حدیث، س ۴۵، ش ۲، ص ۱۱۷-۱۴۲.
- قیوم زاده، محمود؛ شاکر، محمدتقی (۱۳۹۱ الف). «چستی روح القدس و آثار آن»، در: فصل نامه اندیشه نوین دینی، س ۸، ش ۳۰، ص ۸۷-۱۰۰.
- قیوم زاده، محمود؛ شاکر، محمدتقی (۱۳۹۱ ب). «علم امام (ع) به قرآن و چگونگی آن»، در: دوفصل نامه آموزه های قرآنی، ش ۱۶، ص ۱۵۱-۱۶۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: اسلامیة، الطبعة الرابعة.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: القديمة، الطبعة الثانية.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال النجاشی، قم: چاپ ششم.
- همدانی، عبد الجبار (۱۴۲۲). المغنی فی ابواب التوحید والعدل، بیروت: دار الکتب.